

## فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل

سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

صفحات: ۲۸۵-۳۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱



### مبانی پیشگیری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مصطفی احمدی مقدم<sup>۱</sup>، مهدی اسماعیلی<sup>۲\*</sup>، حسن حاجی تبار<sup>۳</sup>

#### چکیده

بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران دو وظیفه را بر عهده قوه قضاییه می‌گذارد: اول، سیاست‌های جنایی که شامل کشف و تعقیب جرایم است؛ دوم، نظامی که متولی اجرای این فرآیند است. نظر به اینکه، کشف نظر قانونگذار، جز با مراجعه به بسترهای اجتماعی قانون و مذاکره‌های انجام شده در زمان وضع قانون از سوی قانونگذاران نیست، در این مقاله تلاش شده تا با بررسی روند تحولات قانون اساسی، دیدگاه موسسان قانون اساسی درباره پیشگیری از جرم کشف گردد. چرا که پیشگیری از جرم، از مهمترین روش‌های مبارزه با پدیده مجرمانه است و بسیاری، تلاش کرده‌اند تا جنبه‌های گوناگون پیشگیری از جرم را در اصول قانون اساسی بگنجانند. بنابراین، بررسی تحولات مفهوم پیشگیری از جرم، ما را در شناسایی هدف موسسان قانون اساسی یاری می‌رساند و دیدگاه‌شان را درباره اینکه چه مفهوم از پیشگیری از جرم را مورد توجه داشتند، کشف می‌نماید. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی، با مراجعه به مشروح مذاکرات قانون اساسی به بررسی موضوع پرداخته و مشخص شده که موسسان قانون اساسی، مفهومی موسع از پیشگیری را مورد توجه داشته و قوه قضاییه را به عنوان متصدی پیشگیری از جرم موظف کرده‌اند تا با همکاری دیگر قوا، به تحقق این مهم بپردازد.

**واژگان کلیدی:** قانون اساسی، پیشگیری از جرم، انحراف، مدیریت پیشگیری، مجازات.

\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران.

\*\* استادیار گروه حقوق، واحد قائم شهر دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران. (نویسنده مسئول)

Dresmaeli@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه حقوق، واحد قائم شهر دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران.

## مقدمه

قوانین و مقررات در یک نظام کیفری، ابزارهای یک سیاست جنایی را تشکیل می‌دهند و تدابیر مبارزه با بزهکاری و انحراف و پیشگیری از آن در قوانین و مقررات جلوه می‌کند. بنابراین، برای یافتن مبانی قانونی نهادهای حقوقی از جمله پیشگیری اجتماعی، باید به قوانین یک نظام حقوقی مراجعه کرد. «در حقوق ما، جایگاه پیشگیری از جرم در کنار مجازات مجرمان و سرکوبی جرم قرار دارد و در قوانین و مقررات ما به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، مورد توجه قرار گرفته است». (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۴) در قانون اساسی، صراحتاً پیشگیری از جرم جزء وظایف قوه قضاییه قرار گرفته است. در قوانین عادی نیز، گاه به‌طور مستقیم پیشگیری از جرم جزء وظایف قوه قضاییه قرار گرفته است. در قوانین عادی نیز، گاه به‌طور مستقیم به پیشگیری از جرم اشاره شده و گاه هدف و جهت پیشگیرانه در وضع یک قانون لحاظ شده است. در این مقاله، به بررسی موضوع پیشگیری از جرم در قانون اساسی و زمینه‌های آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم تا دیدگاه واقعی موسسان قانون اساسی را در زمینه پیشگیری از جرم کشف کنیم.

قانون اساسی به‌عنوان قانون مادر، دربردارنده ارکان و اصول اساسی هر نظام است. «اصول و پایه هر سیاست جنایی را باید در قانون اساسی آن کشور جستجو کرد. بنابراین، اولین مجموعه قانونی که مشروعیت سیاست جنایی را باید بپذیرد، قانون اساسی است. رئوس کلی با اصول راهبر سیاست جنایی در قانون اساسی تعیین می‌شود». (عالمی، ۱۳۷۵: ۴۱)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اصول راهبری در بخش‌های مختلف بهره جسته است، پیشگیری از جرم یکی از مقولاتی است که به‌صراحت در قانون اساسی ایران مورد توجه واقع شده است. بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از وظایف قوه قضائیه را «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» دانسته است این عبارت نیاز به تشریح و تفسیر دارد. لذا در این قسمت ابتدا به بررسی دیدگاه قانون‌گذار اساسی در موضوع پیشگیری از جرم می‌پردازیم و سپس از آنجا که عبارت فوق یعنی «پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» عیناً ترجمه عنوان کنگره‌های پنج سالانه سازمان ملل در موضوع پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین می‌باشد، به‌اختصار در این باره به بررسی خواهیم پرداخت.

اقدام‌های قوه قضاییه در زمینه جرم و بزهکاری، در چارچوب اصل ۱۵۶ قانون اساسی و به‌ویژه بندهای ۴ و ۵ این اصل قابل تبیین است. یکی از تفسیرهایی که در دهه گذشته در خصوص این اصل و بندهای مذکور آن مطرح شده، این است که خبرگان قانون اساسی در نگارش این اصل و به خصوص بند ۵ آن به معیارهای بین‌المللی در زمینه پیشگیری از جرم نظر داشته‌اند و در واقع از آن معیارها الهام گرفته‌اند.

این دیدگاه را باید تفسیر و برداشتی از بند یادشده تلقی کرد، زیرا ممکن است نویسندگان قانون اساسی با تاثیر از قوانین اساسی کشورهای دیگر و از طریق ادبیات ترجمه‌ای چنین مضمونی را وارد قانون اساسی ما کرده باشند، اما به هر حال آنچه بند ۵ اصل ۱۵۶ می‌گوید با معیاری که در عنوان کنگره‌های پنج‌سالانه ملل متحد تا پیش از سال ۲۰۰۵ عبارت بود از: «پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران» که از این سال، جزء دوم این عنوان به «عدالت کیفری» تغییر کرد؛ یعنی هم‌اکنون این کنگره‌ها با عنوان «پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» برگزار می‌شود. بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز «اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان» را یکی از وظایف قوه قضاییه دانسته است. اما به نظر، با توجه به بند پیشین آن (بند چهارم، که «کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» را یکی دیگر از وظایف این قوه می‌داند)، می‌توان گفت که هر دو بند مذکور در راستای معیارهای بین‌المللی پیشگیری از جرم و عدالت کیفری قابل تبیین‌اند که از جمله در کنگره‌های سازمان ملل هم بازتاب یافته‌اند. به عبارت دیگر، قوه قضاییه در زمینه جرم و بزهکاری دو وظیفه اصلی بر عهده دارد که در مجموع می‌توانیم آنها را در راستای سیاست‌گذاری جنایی به منظور تحقق عدالت کیفری تعبیر و تفسیر کنیم. این وظایف در واقع بیان‌گر جنبه‌های قضایی و اجرایی سیاست جنایی است که در فرایند عدالت کیفری شامل کشف و تعقیب و تحقیق جرایم و متهمان و در سامانه یا نظامی که متولی مدیریت و اجرای این فرایند است یعنی سامانه عدالت کیفری یا همان نظام عدالت کیفری مصداق پیدا می‌کند. بنابراین قوه قضاییه در این چارچوب، در وهله نخست، عهده‌دار وظایفی است که توسط دست‌اندرکاران عدالت کیفری مثل پلیس، دادسرا، دادگاه‌ها و سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی کشور قابل انجام است. این وظایف که در بند ۴ اصل ۱۵۶ منعکس شده‌اند، عمدتاً به پس از وقوع جرم مربوط هستند، یعنی جنبه واکنشی و

۲۸۸. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

ماهیت قضایی کیفری دارند. این قبیل اقدام‌ها را با وجود واکنشی و پسینی بودن می‌توان با مفهوم پیشگیری و به طور مشخص، پیشگیری از تکرار جرم بزهکاران از طریق کیفردهی و اجرای محکومیت‌های کیفری ارتباط داد. از این رو، در ادامه، در بخش نخست به بررسی دیدگاه موسسان قانون اساسی می‌پردازیم و در بخش دوم، به بررسی و تحلیل کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد و تاثیر آن بر موسسان قانون اساسی می‌پردازیم.

### ۱. دیدگاه موسسان قانون اساسی درباره پیشگیری از جرم

چنانکه گذشت، قانون اساسی ما صراحتاً به موضوع پیشگیری از جرم توجه داشته و در مواردی به آن اشاره می‌کند. «خبرگان قانون اساسی در دو مورد، پیشگیری از جرم را مورد توجه قرار داده‌اند. در یک جا مقدمه قانون اساسی، در بحث قضا و دادگستری اشاره می‌کند به این که پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی به‌منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در جامعه اسلامی، امر حیاتی است.

این انحرافات گسترده است لیکن در هر حال، در قالب حقوقی، بخشی از این انحرافات به‌صورت ارتکاب جرم تجلی پیدا می‌کند و یا به تعبیر جامعه شناسان به شکل آسیب‌های اجتماعی خودنمایی می‌نماید که در آن صورت لزوماً مشمول حقوق جزا نمی‌شود. بدین ترتیب بحث پیشگیری بحث ما را تشکیل می‌دهد، با وجود این، توجه واضعین قانون اساسی در مقدمه آن، به پیشگیری از انحرافات که می‌تواند زیربنای پیشگیری از وقوع جرم» واقع شود حائز اهمیت است.

### ۱.۱. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم (موضوع بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون

#### اساسی)

همان‌گونه که مطرح شد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی صراحتاً یکی از وظایف قوه قضائیه را «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» دانسته است. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی در مقام بیان وظایف قوه قضائیه چنین مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین»

با ملاحظه وظایف مذکور در این اصل می‌توان گفت مفاد اغلب بندهای این اصل، وظایف اختصاصی قوه قضائیه را در بر دارد. لکن قانون‌گذار در کنار وظایفی چون رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات و ... «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و ...» و «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و ...» به موضوع گسترده «پیشگیری از وقوع جرم» نیز اشاره دارد. بر اساس بندهای ۴ و ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، از یک سو پیشگیری کیفری از جرم یعنی پیشگیری از طریق تهدید به اعمال مجازات و از سوی دیگر، پیشگیری غیرکیفری از جرم یعنی پیشگیری معمول در خارج از نظام کیفری، پلیس و قوای قهریه پذیرفته شده است. بدیهی است که قسمت نخست بند ۵ شامل انواع پیشگیری از ارتکاب جرم برای اولین بار می‌شود و قسمت دوم ناظر به پیشگیری از تکرار جرم، یعنی جلوگیری از ارتکاب جرم برای دومین بار به بعد از طریق اصلاح محکومان زندانی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۴). به عبارتی بند ۴ بیانگر پیشگیری کیفری است چرا که ناظر به اجرای مجازات‌ها و عدالت کیفری است و قسمت اول بند ۵ متضمن پیشگیری غیر کیفری است. می‌توان گفت بند ۴ مبنای حقوق جزا و بند ۵ مبنای پیشگیری از جرم می‌باشد. به نظر برخی اساتید، «بند ۴ و قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ جزء وظایف قوه قضائیه است ولی قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ از وظایف انحصاری قوه قضائیه نیست، زیرا دادگاه‌های دادگستری زمانی درگیر می‌شود که جرمی اتفاق افتاده باشد، محکمه عمومی نمی‌تواند به‌منظور جلوگیری از جرم موسسه‌ای را تعطیل کند، از این قسمت پیشگیری از طریق غیر کیفری را استنباط می‌کنیم». (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۱) تبیین قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و بحث مفصلی را می‌طلبد؛ چرا که «پیشگیری از وقوع جرم دایره وسیعی از اقدامات را در برمی‌گیرد که به مراجع و نهادهای مختلفی در سطح جامعه مربوط می‌شود و نمی‌توان آن را صرفاً به عهده قوه قضائیه گذاشت. به‌طور کلی، تحقق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، منوط به این است که دولت، مراجع قانون‌گذاری، دستگاه‌های قضائی و مردم کلیه امکانات، استعدادها و توانائی‌ها و سرمایه‌های مادی و

۲۹۰. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

معنوی خود را بسیج نمایند. با وجود این، در خصوص واگذاری وظیفه پیشگیری از جرم به قوه قضائیه نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی ابراز شده که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- برخی معتقدند که پیشگیری از وقوع جرم نمی‌تواند بر عهده قوه قضائیه باشد، چرا که قوه قضائیه مقام اجرایی نیست. جمع امر تعقیب و مجازات مجرمین و امر پیشگیری از جرم و مجرم شدن در یک واحد، کار درستی نیست. وظیفه قوه قضائیه پس از وقوع جرم است در حالی که پیشگیری در مرحله قبل از وقوع جرم، معنا می‌یابد. این مطلب را یکی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی این‌گونه بیان می‌کند: «در بند ۵، پیشگیری از وقوع جرم، در اختیار سازمان قضایی نمی‌تواند باشد. معتقد هستیم که پیشگیری از وقوع جرم در برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت وظیفه دستگاه‌های انتظامی یعنی شهربانی و ژاندارمری است و در برنامه‌های بلندمدت وظیفه آموزش و پرورش کشور و سازمان مربوط به مسائل ارتباط جمعی می‌باشد که از طریق سازندگی مردم باید در این زمینه اقدام کند». (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۶: ۱۵۷۱) در مقام تجزیه و تحلیل این دیدگاه نکاتی قابل تأمل است: اولاً، این دیدگاه به قلمروی متنوع و گسترده پیشگیری از وقوع جرم توجه داشته و در نتیجه تصدی قوه قضائیه را با توجه به وظایف مشخص و محدود این قوه کارساز نمی‌داند.

ثانیاً، به نظر می‌رسد عبارت «برنامه کوتاه‌مدت» در گفتار فوق را می‌توان به پیشگیری وضعی تعبیر نمود، زیرا تدابیر این پیشگیری از لحاظ دستیابی به نتایج کوتاه‌مدت، مقطعی، کم هزینه و بسیار مشهود و ملموس است و قوای انتظامی در گشت‌های پلیسی، متفرق کردن افراد شرور، حمایت موقتی از آماج‌ها و بزهدیدگان در حال خطر این هدف را به خوبی دنبال می‌نماید.

ثالثاً، با توجه به تأکیدی که بر نقش آموزش و پرورش، مسائل ارتباط جمعی و سازندگی مردم ملاحظه می‌شود می‌توان گفت منظور از پیشگیری در برنامه بلندمدت، همان پیشگیری اجتماعی است. (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱: ۲۴)

طرفداران این دیدگاه معتقدند که با توجه به امکانات و ابزارهای اجرایی که قوه مجریه در اختیار دارد باید پیشگیری از جرم جزء وظایف این قوه قرار گیرد.

۲- «دیدگاه دیگر که مرحوم دکتر کی‌نیا از آن حمایت می‌کردند این است که بالاترین مقام کشور یعنی رهبری متولی پیشگیری باشد، زیرا کلیه قوا زیر نظر و تحت

کنترل رهبری انجام وظیفه می‌نمایند و چون رهبر نظارت فائده بر تمامی نهادها از جمله قوه مجریه دارد، او باید سیاست‌گذاری نماید». (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۲۱)

این دیدگاه را می‌توان در راستای اصل یکصد و دهم قانون اساسی دانست در این اصل یکی از وظایف و اختیارات رهبری، «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد. از آنجا که موضوع پیشگیری از وقوع جرم «مقوله وسیع و گسترده‌ای است که در تمامی بخش‌های جامعه جریان داشته و نیازمند اتخاذ تدابیر در سطح کلان جامعه می‌باشد، می‌توان آن را در زمره «سیاست‌های کلی نظام» محسوب کرد و بنابراین اتخاذ تدابیر در این زمینه را به رهبری مربوط دانست.

۳- دیدگاه سوم که نظر دکتر نجفی ابرندآبادی می‌باشد این است که فعلاً واقعیتی بنام قانون اساسی داریم که معلوم نیست چه موقع بازنگری شود لذا با وضع موجود باید با یک موضع‌گیری علمی راه‌حلی پیدا کنیم. به این منظور ابتدا باید بند ۵ را بررسی و تحلیل کنیم و سپس به این سؤال پاسخ دهیم که قوه قضائیه عملاً می‌تواند متولی این وظیفه باشد یا خیر؟ به‌طور خلاصه بند ۵ دقیقاً ترجمه عنوان کنگره‌های پنج سالانه سازمان ملل متحد (پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین) می‌باشد. ... نویسندگان قانون اساسی که بعضی از آنها با نهادهای سازمان ملل آشنا بودند، این اصل اساسی سیاست جنایی سازمان ملل متحد را به این اعتبار که ایران عضو آن است وارد قانون اساسی کرده‌اند. ولی دیدگاه آنها در زمینه پیشگیری، حقوقی و قضایی بوده است. محتوای این بند، از دو قسمت تشکیل شده است: پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین، پیشگیری از جرم عام است اما اصلاح مجرمین خاص. بنابراین مراد از پیشگیری مذکور در این بند، پیشگیری جرم شناختی یعنی در مرحله قبل از وقوع جرم است اما اصلاح مجرمین مترادف با پیشگیری از تکرار جرم است و نسبت به مجرمین در حال تحمل محکومیت که در اختیار دستگاه عدالت کیفری قرار دارند، اعمال می‌شود ... با این توضیحات، قوه قضائیه در خصوص بند ۵ اصل ۱۵۶ باید به این نحو عمل کند:

در خصوص قسمت دوم بند ۵ یعنی اصلاح مجرمین، قوه قضائیه به اعتبار اینکه مدیریت سازمان زندان‌ها را در اختیار دارد، اصلاح مجرمین را بر عهده خواهد داشت، (یعنی پیشگیری از تکرار جرم بر عهده قوه قضائیه است).

اما در مورد قسمت اول بند ۵، یعنی پیشگیری از وقوع جرم (که به معنای پیشگیری غیر کیفری و مشتمل بر پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی می‌باشد)، قوه قضائیه نمی‌تواند به‌تنهایی مجری آن باشد. پیشگیری از بزهکاری ماهیت و اشکال مختلفی دارد

۲۹۲. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

و ناگزیر کمک و همکاری سازمان‌های مختلف دولتی و غیردولتی و تشکل‌های مردمی را می‌طلبد. قوه قضائیه می‌تواند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پیشگیری از بزهکاری را بر عهده بگیرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۲۱)

این دیدگاه که مبتنی بر مبانی جرم‌شناختی است، بدون اینکه واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم را به قوه قضائیه مورد تأیید قرار دهد (چرا که مسئولیت قوه قضائیه را به مرحله وقوع جرم مربوط می‌داند). در پی آن است که با واقع‌نگری، تفسیر مناسبی از این بند به دست آورد. بنابراین با توجه به این که قوه قضائیه همه امکانات و ابزارهای اجرایی لازم برای امر خطیر پیشگیری را در اختیار ندارد، مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم را منحصر به قوه قضائیه نمی‌داند و معتقد است قوه قضائیه باید به‌عنوان متولی و سیاست‌گذار در این مهم، انجام وظیفه نماید. در راستای انجام این امر، می‌توان از مطالعات و دستاوردهای جرم‌شناختی بخصوص توصیه‌ها و رهنمودهای کنگره‌های پیشگیری از جرم سازمان ملل نهایت استفاده را نمود.

#### ۱،۲. بررسی مذاکرات واضعین قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که پیش‌نویس آن اندکی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به سفارش امام خمینی (ره) تهیه شده بود پس از بازگشت امام (ره) به ایران مورد بررسی‌های متعدد قرار گرفت.

مجلس مؤسسان قانون اساسی که در سخنرانی امام (ره) در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در بهشت زهرا به مردم وعده داده شده بود. در تاریخ ۵۸/۵/۲۸ با عنوان «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» و با پیام امام (ره) کار خود را آغاز کرد<sup>۴</sup>. و سرانجام طی ۶۷ جلسه در دوازده فصل مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل تنظیم و با اکثریت مجموع دو سوم نمایندگان ملت در تاریخ ۵۸/۸/۲۴ به تصویب نهایی رسید. (بزرگ نیا، ۱۳۷۱: ۵۷). با توجه به مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ اصلاحات و تغییرات و متمیم قانون اساسی که شورای بازنگری قانون اساسی به موجب فرمان مورخ ۶۸/۲/۴ امام خمینی (ره) در چهل و هشت اصل مدون و چند تصمیم و توضیح، به‌طور نهایی بررسی و تدوین کرده و به تصویب نهایی و تأیید مقام

<sup>۴</sup> - به موجب ماده یک لایحه قانون انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ایران « مصوب ۵۸/۴/۱۴ شورای انقلاب اسلامی ایران: «به منظور اظهار نظر نهایی در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که قبلاً تنظیم و در مراحل مختلف بررسی شده، مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ایران در تهران تشکیل می‌شود.»



رهبری رساننده بود، در همه پرسى مورخ ۶۸/۵/۶ به قبول و تأیید ملت ایران رسید. با وجود تغییرات مهمی که در اصول مربوط به قوه قضائیه صورت گرفت (حذف شورای عالی قضایی) و واگذاری مسئولیتهای آن به «رئیس قوه قضائیه» لکن موضوع مورد بحث ما یعنی «پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» تغییری نکرده است. با وجود این، هم در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (مصوب ۱۳۵۸) و هم در شورای بازنگری قانون اساسی بحثهایی در خصوص پیشگیری از جرم صورت گرفته که بررسی آن ما را با دیدگاه واضعین قانون اساسی در زمینه پیشگیری از جرم آشنا می‌سازد.

با ملاحظه مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی می‌توان دریافت که واگذاری وظیفه «پیشگیری از جرم» به قوه قضائیه، اقدامی سنجیده و حساب شده نبوده است. یکی از نمایندگان در پاسخ به نظری که پیشگیری از وقوع جرم را به سازمان قضایی محدود نمی‌داند، بیان می‌دارد:

«پیشگیری از جرم وظیفه دادگستری است. برای بعضی اماکن چون قدرت حاکم شرع را دارد و در حقیقت ناظر بر جمیع امور است. در هر جایی که احتمال بدهد که اینجا ممکن است جرمی واقع بشود وظیفه یک حاکم شرع است به انحاء مختلف بدون متوسل شدن به قوه قهریه از قبیل نظامی و انتظامی جلوگیری بکند» (مشروح مذاکرات مجلس...، ۱۳۶۶: ۱۵۷۱) ملاحظه می‌شود که برداشت مضیقی از پیشگیری در این نظر وجود دارد و آگاهی و شناخت کافی از انواع پیشگیری که به‌طور حتم در حد توان سازمان قضایی نمی‌باشد، وجود ندارد.

علاوه بر این، اصل وجود بند ۵ نیز در جلسه علنی از جانب برخی نمایندگان مورد تردید قرار گرفته و ظاهراً این بند در همان جلسه اضافه شده است. در اینجا برای نمونه قسمتی از مذاکرات نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بیان می‌شود:

«دکتر آیت... آن موقعی که در کمیسیون مشترک بود، بندی داشتیم که روی آن بحث شد حالا اگر آن بند را به طور کامل هم نگذاریم، من معتقدم «اصلاح مجرمین» را بگذاریم چون در دادگستری این مساله هست.

منتظری - داریم «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین»

دکتر آیت - در این بند که من نمی‌بینم.

نایب رئیس - در این اصل نیست، از اینجا برداشتیم، (منتظری - خیر، گذاشته شد). (خانم گرجی - بند پنج از چاپ افتاده است). درست است، بند پنج افتاده است،

۲۹۴. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

اضافه بفرمائید: «۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» که بند ۵ این اصل است.» (مشروح مذاکرات مجلس...، ۱۳۶۶: ۱۵۸۳)

برخورد مسامحه‌گرانه با موضوعی تا این اندازه مهم، نشانه کم توجهی به این موضوع است. چنانکه می‌بینیم توجهی به زمینه‌ها و موضوعات مهم و محتوایی نمی‌شود و خیلی شتابزده از کنار چنین مسائلی عبور می‌شود. به قسمتی دیگر از مذاکرات توجه کنید:

«جوادی - در پنج بندی که در این اصل ذکر شده موقعیت طبیعی اقتضا می‌کند که آن قسمت که مربوط به احیای حقوق عامه و گسترش عدل است و اقدامات متناسب برای پیشگیری از وقوع جرم، در جلو قرار بگیرند بعد مساله نظارت بر حسن جریان قوانین در مرحله سوم و در مرحله چهارم و پنجم رسیدگی به شکایات و مجازات و اجرای آن.

نایب رئیس - همانطوریکه مجدداً عرض شده تصویب این اصول بیشتر از نظر محتوا است، تنظیم اصول را در مرحله نهائی و با فرصت بیشتر و با مشورت محدودتر در کل قانون رعایت می‌کنیم (جوادی - امیدواریم این مساله از یادتان نرود). یادمان نمی‌رود، خود شما هم شرکت بفرمایید.» (مشروح مذاکرات مجلس...، ۱۳۶۶: ۱۵۸۳)

ملاحظه می‌شود که قرار دادن این وظیفه در عداد وظایف قوه قضائیه با دقت و توجه کافی صورت نگرفته تا حدی که موضوعی تا این اندازه مهم از چاپ افتاده و با پیشنهاد دکتر آیت مبنی بر بقاء عبارت «اصلاح مجرمین» که بخشی از بند ۵ را تشکیل می‌دهد، توجه نمایندگان به وجود این بند و جا افتادن آن جلب شده است.

علاوه بر این با وجود تاکید، که بر لزوم تقدم این بند بر سایر وظایف شده اما مساله، فراموش شده و این وظیفه در آخرین ردیف قرار گرفته است. این شتابزدگی و بی توجهی نشان می‌دهد که واضعین قانون اساسی خود نیز در قرار دادن وظیفه پیشگیری بر عهده قوه قضائیه از یک نگرش سنجیده و مناسب برخوردار نبوده‌اند.

مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز بحث تازه‌ای پیرامون این بند ندارد. در شورای بازنگری قانون اساسی، با توجه به جایگزین شدن «رئیس قوه قضائیه» به جای «شورای عالی قضایی» بیشتر مذاکرات در بخش قوه قضائیه متوجه این نکته بوده است ولی وظایف قوه قضائیه تغییری نداشته و بند ۵ کماکان «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» را وظیفه قوه قضائیه دانسته است. لکن با توجه به این که جلسات شورای بازنگری قانون اساسی پس از یک تجربه ده ساله برگزار می‌شده نکات

جالب توجهی در سخنان برخی اعضای شورای بازنگری در این خصوص به چشم می‌خورد. در جایی گفته می‌شود. «دستگاه قضایی به هر حال کارش خیلی وسیع است، یعنی این ۵ بند وظیفه‌ای که اینجا در اصل ۱۵۶ برای این دستگاه معین شده، بسیار بسیار کار وسیع و عظیمی است. بعضی از این وظایف، کارهای سیاست‌گذاری و فکری است و بعضی‌ها پیش هم خوب مشخصاً کارهای اجرایی است حالا نه اجرایی اداری، بلکه اجرایی قضایی، مثلاً همان بند اول که فصل خصومات و اینها است. خوب یک کار عملی است. ولی در آن قسمت احیای حقوق عامه یک مقدار سیاست‌گذاری‌ها لازم است در قسمت مربوط به بند ۵ که اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، اینجاها باز یک مقدار کارهای فکری دیگری لازم است. به هر حال با توجه به گستردگی وظایف دستگاه قضایی، شاید بد نبود که یک شورای سیاست‌گذاری، فکری [باشد] که آن شورا تهیه لوایح را هم به عهده داشته باشد». (مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی.... ۱۳۶۹: ۳۴۳)

بنابراین گستردگی و تنوع وظایف قوه قضائیه مقتضی این است که برای وظایفی چون پیشگیری از جرم کارهای فکری و سیاست‌گذاری صورت پذیرد، این دیدگاه وجود یک شورای سیاست‌گذاری را برای این امر مناسب می‌داند. یکی دیگر از اعضای شورا در مورد اینکه وظایف پنج گانه قوه قضائیه همگی صرفاً به قوه قضائیه مربوط نمی‌شود بیان می‌کند که روشن نیست که اصلاً تفکیک وظایف بین قوه مجریه و قوه قضائیه در این مقوله چیست؟ و در ادامه وظیفه مندرج در بند ۵ را عمده‌تاً غیر قضایی می‌داند. (مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی.... ۱۳۶۹: ۳۴۷) به عبارتی وظایف ذکر شده برای قوه قضائیه را متناسب با اختیارات این قوه ندانسته و معتقد است برای برخی از این وظایف قوه مجریه نیز مسئولیت دارد.

در مجموع در شورای بازنگری قانون اساسی گرچه تغییری در وظایف قوه قضائیه ایجاد نشده است اما بوضوح می‌توان توجه اعضای شورا را به لزوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه پیشگیری از جرم دریافت، مقوله وسیعی که مستلزم توجه و همکاری همه جانبه تمام قوای سه گانه و نهادهای دولتی و غیردولتی می‌باشد.

از آنجا که عبارت مذکور در بند ۵ اصل ۱۵۶ دقیقاً ترجمه عنوان کنگره‌های سازمان ملل یعنی «کنگره‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» است که هر پنج سال یکبار تشکیل می‌شود. می‌توان گفت این کنگره‌ها به‌عنوان مبنایی برای این بند مورد توجه قانون‌گذار اساسی بوده و از طرفی می‌تواند به‌عنوان الگو و راهنمای مناسبی در یک

۲۹۶. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

برنامه‌ریزی جامع برای امر خطیر پیشگیری محسوب شود، لذا در این قسمت مختصراً به بررسی این کنگره‌ها می‌پردازیم.

## ۲. کنگره‌های پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد<sup>۵</sup>

جرم و وسایل پیشگیری از آن از مسائلی است که کمی بعد از تشکیل سازمان ملل متحد ۱۹۴۵ در دستور کار آن سازمان قرار گرفت. کمیسیون موقت اجتماعی سازمان ملل این نظر را پذیرفت که پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در تار و پود جامعه تأثیر دارد و به همین جهت یکی از موضوعاتی است که باید در چارچوب سیاست اجتماعی قرار گرفته و مطالعه شود. (عالمی، ۱۳۷۵: ۸۸)

در این راستا، سازمان ملل وظایف و ماموریت‌هایی را بر عهده کمیسیون و بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری گذارده است: «کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، یکی از هیات‌های مهم و فعال سازمان ملل است که شورای اجتماعی و اقتصادی طی جلسه‌ای در ۱۹۹۲ به موجب قطعنامه‌ای آن را تأسیس کرده و جانشین کمیته «پیشگیری از جرم و مبارزه با بزهکاری» نموده است. این کمیسیون در زمینه سیاست جنایی پیشگیری از جرم، رهبری و تعیین سیاست کلی را بر عهده دارد. ... بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری هیاتی از دبیرخانه سازمان ملل متحد است که اجرای فعالیت‌های این سازمان و هماهنگ کردن فعالیت‌های آن در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را بر عهده دارد». (عالمی، ۱۳۷۵: ۹۲-۹۴)

این نهادها به ارائه برنامه‌هایی در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین می‌پردازند و وظیفه اصلی را در این زمینه بر عهده دارند. بر پای کنگره‌های «پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» یکی از مهمترین برنامه‌های سازمان ملل در این زمینه می‌باشد. این کنگره‌ها، هر پنج سال یکبار در مدت زمانی بین ۵ تا ۱۰ روز کاری تشکیل می‌شود.

«کنگره‌های سازمان ملل متحد، نمایندگان دولتها، متخصصین عدالت کیفری، دانشمندان مشهور بین‌المللی و اعضای سازمان‌های غیردولتی (NGOs) مرتبط را برای بحث پیرامون مشکلات رایج، تجارب و جستجوی راه‌حلهای مناسب برای مهار جرم دور هم جمع می‌کند». (Crime Seeking for all, 1996; 21)

<sup>5</sup> - United Nations Congress On Prevention of Crime And Treatment Of Offenders.

کنگره‌های سازمان ملل متحد مجمعی جهانی است برای مبادله اطلاعات و تجارب، مقایسه روشهای سیاست جنایی، یافتن راه‌حلهایی پایدار برای مساله بزهکاری و تشویق فعالیتهای بین‌المللی در این زمینه. این کنگره‌ها نه تنها فرصتی برای ارائه سیاستهایی را فراهم می‌آورد که دولتها آن را مفید شناخته‌اند بلکه محرکی برای کار در زمینه سیاست جنایی نیز به شمار می‌آید. (عالمی، ۱۳۷۵: ۱۰۸)

یکی از قلمروهای فعالیت و برنامه‌های تخصصی - فنی در حقوق بین‌الملل، سیاست جنایی سازمان ملل متحد است. یعنی سیاست‌گذاری در زمینه مبارزه با بزهکاری، پیشگیری عام از بزهکاری، پیشگیری خاص از بزهکاری (اصلاح مجرمین)، پیشگیری فنی با وضعی از جرائم، اداره علمی و سنجیده مؤسسات زندان و حمایت از حقوق و منافع بزه‌دیدگان و غیره که به عنوان استراتژی مطلوب سازمان ملل متحد نام دارد. تنوع این برنامه‌ها بی‌تردید در تحول و توسعه مفهوم ابزارها، جهت‌گیریها و قلمرو سیاست جنایی در سطح دولتهای عضو بی‌تأثیر نبوده است. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۶: ۳۸)

سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری و پیشگیری از جرائم از سال ۱۹۵۵ میلادی تا کنون اقدام به برگزاری ده کنگره نموده است که به‌طور خلاصه از این قرارند:

#### ۲.۱. نگاهی اجمالی به کنگره‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین

نخستین کنگره (۲۲ اوت تا ۳ سپتامبر ۱۹۵۵ میلادی برابر با ۱۳۳۴ هجری شمسی) در ژنو (سوئیس) برگزار شد. اصول حداقل رفتار با زندانیان از مهمترین دستاوردهای این کنگره است. «در این کنگره که نمایندگان شصت و یک کشور، نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی، نمایندگان چهل و سه سازمان غیردولتی و پژوهشگران و استادان رشته‌های حقوق جزا حضور داشتند، رهنمودهای آن به‌طور مستقیم ارتباطی با پیشگیری از جرم ندارد». (نادری، ۱۳۸۱: ۵۲)

کنگره دوم (۸ الی ۱۹ آگوست ۱۹۶۰ م برابر با ۱۳۳۹ ه.ش). در لندن (انگلستان) برگزار شد، و تدابیری در مورد پیشگیری از بزهکاری جوانان و آزادی مشروط و مراقبت‌های بعد از آزادی را مورد بررسی قرار داد. (معظمی، ۱۳۷۹: ۴۷) طیف موضوعات و مسائل مورد بحث در این کنگره، گسترده‌تر از اولین کنگره بود و شرکت وسیع در این کنگره نشان‌دهنده رشد سازمان ملل و ظهور دولتهای جدیدی بود که تازه به استقلال رسیده بودند. (عالمی، ۱۳۷۵: ۱۱۰)

۲۹۸. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

کنگره سوم (۹ الی ۱۸ آگوست ۱۹۶۵ م برابر با ۱۳۴۴ ه. ش) در استکهلم (سوئد) در مورد پیشگیری از وقوع جرائم و مبارزه با تکرار جرم برگزار شد. بررسی رابطه میان تغییرات اجتماعی شهرنشینی و بزهکاری اولین دستور کار این کنگره بود. «به علت شرکت وسیع نمایندگان دولتهای تازه به استقلال رسیده، در کنگره توصیه شده که کشورهای در حال توسعه نباید تنها به تقلید یکنواخت از نهادهای عدالت کیفری کشورهای غربی بپردازند و اظهار امیدواری شد که کشورهای در حال توسعه بتوانند با نیرویی فعال و پر تحرک، زمینه بسیاری از پدیده‌های بی‌نظمی و آشفتگی اخلاقی را که در کشورهای پیشرفته دنیا مردم را به ستوه آورده است، از بین ببرند» (عالمی، ۱۳۷۵: ۱۱۰)

- کنگره چهارم (۱۷ الی ۲۶ آگوست ۱۹۷۰ برابر با ۱۳۴۹ ه. ش) در کیوتو (ژاپن) مساله جرائم در برنامه‌ریزی توسعه و آثار ناشی از شهرنشینی را مورد بررسی قرار داد. این، نخستین کنگره‌ای بود که در خارج از اروپا برگزار می‌شد. بیش از هزار نماینده و شرکت کننده از ۸۵ کشور، از آن شرکت کرده بودند. در مقابل روند فزاینده جرم در بسیاری از کشورها، موضوع اصلی بحث کنگره «جرم و توسعه» بود. جرم و توسعه به عنوان دو عامل تجزیه ناپذیر به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر کشور بستگی دارد. تاکید بر آن بود که سیاست‌های پیشگیری از جرم در طرح توسعه و تحقیق درباره سیاست‌های دفاع اجتماعی و پیشگیری از جرم مبنی بر همکاری جامعه، یعنی شرکت جامعه در پیشگیری و مهار کردن آن گنجانده شود.

کنگره پنجم (در سال ۱۹۷۵ میلادی برابر با ۱۳۵۴ ه. ش) در ژنو (سوئیس) برگزار شد. این کنگره به شورای اقتصادی و اجتماعی توصیه کرد که قلمرو، روش‌ها و کیفیت اعمال مقررات مربوط به افرادی که بدون هیچ قرار یا حکمی در زندان به سر می‌برند را مورد ارزیابی قرار دهد.

اعلامیه حمایت از همه انسانها در برابر شکنجه و انواع رفتار یا مجازات غیر انسانی در این کنگره تصویب شد که به تصویب مجمع عمومی نیز رسید. (معظمی، ۱۳۷۹: ۴۷) موضوعات این کنگره بیشتر به «اصلاح مجرمین» مربوط است و در مورد «پیشگیری از جرم» مباحث زیادی مطرح نشده است.

کنگره ششم (۲۵ اوت تا ۵ دسامبر ۱۹۸۰ م برابر با ۱۳۵۹ ه. ش) در کاراکاس (ونزوئلا) بر پا شد و به بررسی استراتژی‌های پیشگیری از جرائم، بزهکاری جوانان و سوء استفاده از قدرت و غیر نهادی کردن اقدامات تأدیبی پرداخت که به تصویب

مجمع عمومی نیز رسید. (معظمی، ۱۳۷۹: ۴۸) موضوع اصلی کنگره پیشگیری از بزهکاری و کیفیت زندگی بود. کنگره معیارها و رهنمودهای سازمان ملل را از وسایل مهم برای دولت‌ها در تلاش خود برای مبارزه مؤثر با بزهکاری و در عین حال رعایت حقوق بشر دانست. دور نماهای تازه بین روابط پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و توسعه و نیاز به همکاری بین المللی به صراحت عرضه شد. (عالمی، ۱۳۷۵: ۱۱۹)

کنگره هفتم (۲۶ آگوست الی ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ م برابر با ۱۳۶۴ ه ش) در میلان (ایتالیا) موضوع اصلی کنگره عبارت بود از پیشگیری از جرم برای «آزادی، عدالت، صلح و توسعه» و مدرک و سند نهایی آن «طرح اقدام میلان» برای تقویت همکاری بین المللی در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری بود که این طرح بعداً به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. طرح میلان رهنمودهایی عملی و محسوس برای سیاست‌های موثرتر در تلاش علیه جرم فراهم آورده و عناصر یک برنامه جهانی را برای پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در نظر گرفته است. (عالمی، ۱۳۷۵: ۱۱۵)

کنگره هفتم توجه همه جانبه ای به پیشگیری از جرم داشته و توصیه‌های آن می‌تواند الگوی خوبی برای برنامه‌های پیشگیری از جرم کشورها باشد. کنگره هشتم (۲۷ آگوست الی ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ م برابر با ۱۳۶۹ ه ش) در هاوانا (کوبا) برگزار شد. کار هشتمین کنگره به پنج موضوع مهم تقسیم شده بود: بزهکاری و توسعه، زندان و جانشینهای زندان، جرم سازمان یافته و تروریسم، بزهکاری نوجوانان و معیارها و رهنمودهای سازمان ملل برای عدالت کیفری .... این کنگره بیش از مجموع کنگره‌های قبلی، اسناد بین المللی تنظیم کرد. (عالمی، ۱۳۷۵: ۱۱۸)

کنگره هشتم، معاهده‌های نمونه در مورد استرداد مجرمین، کمک‌های متقابل در خصوص مسائل کیفری و اصول اساسی رفتار با زندانیان و ... را تصویب کرد. (معظمی، ۱۳۷۹: ۴۸)

کنگره نهم (۲۹ آوریل تا ۸ مه ۱۹۹۵ م برابر با ۱۳۷۴ ه ش) در قاهره (مصر) تشکیل شد. این کنگره به چهار موضوع عمده پرداخت که عبارت بودند از همکاری بین المللی و کمک‌های فنی برای تقویت نقش قانون، اقدام علیه جرائم سازمان یافته در سطوح ملی و بین المللی، نقش حقوق کیفری در حمایت از محیط زیست و استراتژی‌های معطوف به پیشگیری از جرائم بویژه علیه جرائم شهری، بزهکاری جوانان و جرائم خشونت بار. نهمین کنگره ملل متحد، اولین کنگره‌ای بود که بعد از تجدید نظر برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد برگزار می‌شد، این کنگره در قالب ساختار

۳۰۰. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

جدید سازمان ملل بسیار اهمیت داشت که وزرای کشور و وزرای داخلی و سایر وزراء و سیاستگذاران و کارشناسان از سازمان‌های بین‌دولتی و غیر دولتی در آن شرکت داشتند. (عالمی، ۱۳۷۵: ۱۱۹)

بحث درباره روابط بین ترور سیم و جرم سازمان یافته یکی از بحث‌انگیزترین مسائل در نهمین کنگره بود. چگونگی پیشگیری از بزهکاری در مناطق شهری و ارزیابی و سنجش ترازنامه کارایی تدابیر پیشگیرانه و ترسیم دور نمای جدید نیز از جمله توصیه‌های دیگر کنگره نهم می‌باشد. (نادری، ۱۳۸۱: ۶۵)

کنگره دهم (۱۴ و ۱۵ آوریل ۲۰۰۰ م) برابر با فروردین ۱۳۷۹ (ه. ش) در وین (اتریش) برگزار شد. موضوعات اساسی مورد بحث در کنگره دهم عبارت بودند از: ۱- ارتقاء حاکمیت و اجرای قانون و نیز تقویت نظام عدالت کیفری ۲- همکاری بین المللی در مبارزه با جرائم فوق ملی ۳- ارتباط بزهکاران و بزه‌دیدگان، رعایت انعطاف و مسئولیت در مراحل دادرسی. چهار پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل به ترتیب علیه جرائم سازمان یافته، قاچاق اسلحه، قاچاق زنان و کودکان و قاچاق مهاجران سرفصل اصلی مباحث دهمین کنگره سازمان ملل درباره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین بود. (آشوری، ۱۳۷۹: ۲۱)

کنگره دهم توجه خاصی به اشکال نوین بزهکاری از جمله جرائم سازمان یافته، قاچاق، ترورسیم که به دنبال توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع ظهور و فزونی یافته‌اند. نشان داده است و به همین جهت افزایش همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با این جرائم، جرم‌انگاری جرائم سازمان یافته، کنترل حسابهای بانکی و جلوگیری از تطهیر پول، توسل به امکانات و تجهیزات پیشرفته مراقبتی برای کنترل جریان قاچاق، فعالیت‌های مجرمانه و ... را به کشورها توصیه می‌کند.

## ۲.۲. ویژگی‌های کنگره‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین

همانطور که می‌دانیم عنوان این کنگره‌ها دقیقاً در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی کشور ما که در بیان وظایف قوه قضائیه است منعکس شده و می‌توان گفت این وظیفه قوه قضائیه ترجمه‌ای از عنوان کنگره‌های پنج سالانه سازمان ملل است. از این رو بررسی ویژگیها و دستاوردهای آن می‌تواند نقش موثری در ایفای وظیفه قوه قضائیه در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین داشته باشد.

کنگره‌های سازمان ملل درباره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین چند ویژگی اساسی دارد. (عالمی، ۱۳۷۵: ۱۲۴). از جمله اینکه هدف این بوده است که یک دیدگاه



جهانی درباره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری بوجود آید، جهانی کردن صلاحیت محاکم کیفری کشورها و جدا کردن صلاحیت قضایی از صلاحیت قانونی یا صلاحیت وضع قانون، هدف دیگر سیاست جنایی بین المللی است که از طریق کنگره‌ها طرح و توصیه می‌شود. تحولات وسیع در زمینه عدالت کیفری و ایجاد محاکم بین المللی کیفری را می‌توان نتیجه و حاصل تلاش‌ها و توصیه‌های این کنگره‌ها دانست.

با دقت در عنوان کنگره‌های پنج سالانه سازمان ملل یعنی «پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» ملاحظه می‌شود که «پیشگیری از وقوع جرم» قبل از «اصلاح مجرمین» آمده است که «منعکس کننده اولویت خاص پیشگیری» در این سازمان می‌باشد و لذا اهمیت یافتن این شاخه از جرم شناسی از همان ابتدای تأسیس سازمان ملل محور هم و غم جامعه جهانی بوده است. بگونه ای که این علم (جرم شناسی پیشگیرانه) با قدمتی ۵۰ ساله دارای چنان اصول و قواعدی می‌گردد که به واقع ناشی از اعتبار و منزلت راهکارهای صاحب نظران در ارتباط با معضلات جوامع بشری است و این امر به نوبه خود سبب هماهنگی و نزدیک شدن سیاست جنایی دولت‌ها و در نتیجه بهبودی کارایی استراتژی آنها در مهار بزهکاری خواهد شد». (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱: ۳۱)

کنگره‌ها عرصه‌ای است است که در آن کارشناسان پیشگیری از جرم و سیاست‌گذاری از سراسر جهان گرد هم می‌آیند تا به طور دسته جمعی به حل مسائل مربوط به بزهکاری بپردازند. «راهکارها و رهنمودهایی که در کنترل و پیشگیری از جرم توسط کنگره‌های پنج سالانه بیان می‌شود، قلمرو وسیعی دارند زیرا در این استراتژی انواع پیشگیری از جرم را می‌توان یافت و به عبارتی، پیشگیری از جرم در سازمان ملل ناظر به انواع پیشگیری در معنای علمی آن می‌باشد و به نظر می‌رسد پیشگیری اجتماعی از دامنه وسیعتری در این کنگره‌ها برخوردار است. در پیشگیری اجتماعی تاکید اصلی بر نوجوانان و جوانان است، چرا که این گروه پذیرندگان اصلی روند جامعه پذیری هستند و بنابراین کنگره‌ها با درک این مهم از همان ابتدا تا آخرین کنگره به این موضوع به عنوان محور اصلی توجه داشته است». (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱: ۳۱)

ویژگی دیگر کنگره‌ها این است که «اولین کنگره که با شرکت دانشمندان حقوق جزا و کارشناسان عدالت کیفری بر پا می‌شود، دیدگاه‌های جنبش دفاع اجتماعی را بهمراه دارد. بر اساس این دیدگاه بود که عنوان کنگره‌های سازمان ملل درباره بزهکاری، «پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» نام گرفت، زیرا هدف سازمان ملل تأمین این نظر

۳۰۲. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

بود که هدف تدابیر سرکوبگر، از جمله زندان باید دفاع اجتماعی باشد، یعنی تدابیر پیشگیرانه باید مانع از ارتکاب اعمال خطرناک‌تر شوند.

از نظر تاریخی نیز پیدایش دو مفهوم پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین، مشخصه گذار از سیاست کیفری سنتی به سیاست جنایی است. (عالمی، ۱۳۷۵: ۱۲۲) توجه کنگره‌ها به نقش مردم در ساینست جنایی و پیشگیری از جرم زمینه ساز توسعه سیاست جنایی مشارکتی می‌باشد. شاید این امر حاصل شرکت نمایندگان دولتهای تازه استقلال یافته در کنگره سوم به بعد است چرا که نظریه‌های نمایندگان این کشورها، حاصل تدابیر و روشهایی از پیشگیری از جرم بود که جنبه مردمی و سنتی داشت، به همین جهت از کنگره چهارم به بعد شاهد گسترش مباحثات در زمینه ساینست جنایی مشارکتی و پیدا کردن راه حل‌های مردمی در مبارزه با جرم هستیم. ارائه راه‌حل‌های مردمی از طرف این نمایندگان و مثبت بودن آن در پیشگیری از جرم توجه سیاست جنایی بین‌المللی را به تأیید به کار بردن روشهای مذهبی و سنتی و روشهای مردمی در مبارزه با بزهکاری جلب نمود.

توصیه‌ها و رهنمودهای کنگره‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین می‌تواند الگو و راهنمای خوبی برای کشورها در امر مهم پیشگیری از جرم باشد. بنابراین توجه عمیق به دستاوردهای آن و برنامه‌ریزی بر مبنای این توصیه‌ها برای هر کشوری ضروری است، بخصوص کشور ما که در قانون اساسی عیناً عبارت پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین یعنی عنوان این کنگره‌ها را به کار برده است برخی از مهمترین رهنمودهای کنگره‌ها در زمینه پیشگیری از جرم از این قرار است:

- توجه به پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و جوانان
- اصلاح قوانین و مقررات خصوصاً قوانین جرم‌زا و تصویب قوانین مناسب در جهت پیشگیری و کاهش جرائم.
- جلب مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم و توسعه سیاست جنایی مشارکتی
- توجه به رابطه بزهکاری و توسعه.
- کاهش زمینه بروز و افزایش اشکال نوین بزهکاری از طریق جرم‌انگاری موضوعاتی مثل تطهیر پول و افزایش مراقبتها و کنترل جریان قاچاق و فعالیتهای مجرمانه.
- افزایش همکاریهای بین‌المللی در مبارزه با جرائم خصوصاً جرائم فراملی و تبادل اطلاعات و تجارب در زمینه پیشگیری از جرائم.

- اختصاص بودجه و برنامه‌ریزی برای پیشگیری از جرم و ارزیابی اقدامات پیشگیرانه

بدیهی است با استفاده از تجارب سایر کشورها و توصیه‌های سازمان ملل و تطبیق آن با وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشور بهتر می‌توان به یک برنامه مناسب پیشگیری از جرم دست یافت و به خواسته قانون اساسی در این زمینه جامه عمل پوشاند.

### نتیجه گیری:

قانون اساسی ایران، پیشگیری از جرم را بر عهده قوه قضائیه گذارده است. به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ یکی از وظایف قوه قضائیه اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمی « است. قوانین دیگری نیز هر کدام در بیان وظایف یک مرجع یا نهاد به پیشگیری از جرم اشاره داشته‌اند. با وجود تصریح قانون‌گذار در واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه از یکسو دخیل بودن مراجع دیگری که زیر نظر قوه مجریه‌اند در موضوع پیشگیری از سوی دیگر، این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان این تداخل و تعارض را توجیه نمود؟

با کمی تأمل و دقت می‌توان به این نتیجه رسید که این قوانین تعارضی با هم ندارند و قابل جمعند، چرا که هیچکدام وظیفه پیشگیری را منظور نظر ندارند. برای نمونه، قانون تأسیس وزارت اطلاعات، «کسب اطلاعات جهت پیشگیری...» را بر عهده وزارت اطلاعات گذاشته و این عبارت وظیفه «کسب اطلاعات» را می‌رساند که در جهت پیشگیری مورد استفاده واقع شود، پس «پیشگیری» وظیفه وزارت اطلاعات نیست، بلکه این وزارتخانه موظف به جمع‌آوری اطلاعات برای استفاده مراجع دیگر در مواقع لزوم است که این اطلاعات می‌تواند در مورد پیشگیری توسط قوه قضائیه به کار آید.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت قوه قضائیه به عنوان متولی امر پیشگیری از جرم باید اقدام مناسب برای پیشگیری را با توسل به همه ابزارها، امکانات و قوای موجود (که شامل همه نهادهای فوق نیز می‌شود) به انجام رساند. روشن است که دستیابی به چنین هدف مهمی، نیازمند برنامه‌ریزی و تدوین اصول و راهکارهایی است که در سایه سیاست جنایی تقنینی ممکن خواهد بود. آنچه در بند ۵ اصل ۱۵۶ منعکس شده، دست کم از نظر مفهومی دارای دو جنبه برجسته است که یکی از آنها پیشگیری به

۳۰۴. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

معنای خاص کلمه است؛ یعنی «پیشگیری کنشی» که به مرحله پیش از وقوع جرم مربوط می‌شود و جز در مواردی اصولاً از وظایف قوه قضاییه و نظام عدالت کیفری محسوب نمی‌شود و دوم (اصلاح مجرمان یا بزه‌کاران) در واقع جنبه خاصی از پیشگیری واکنشی از طریق تدابیر جرم‌شناختی بالینی و در چارچوب نهادهایی مثل سازمان زندان‌هاست. با توجه به جنبه اخیر، به نظر می‌رسد، مفاد بند ۵ اصل ۱۵۶ با آنچه در عنوان کنگره‌های پنج‌سالانه بازتاب یافته است، تعارض پیدا می‌کند، زیرا سازمان ملل متحد از جمله، در قالب کنگره‌های پیش‌گفته از سیاست‌گذاری کیفری به معنای موسع آن در تمام سطوح تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی در راستای تحقق عدالت کیفری سخن می‌گوید. در این مدل، قوه قضاییه و به‌طور کلی، قوای سه‌گانه دولتی، یکی از متولیان سیاست جنایی قلمداد می‌شوند و این سیاست جنایی به معنای موسع است که با پیشگیری از جرم به معنای واقعی آن (پیشگیری کنشی) پیوند می‌خورد. در نتیجه قوه قضاییه در چارچوب بند ۵ اصل ۱۵۶ نمی‌تواند وظیفه پیشگیری از جرم را به این معنا یعنی پیش از اقدام‌های واکنشی و از جمله، اصلاح بزه‌کاران عهده‌دار باشد.

### منابع:

#### الف) کتب و مقالات فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۷۹). «گزارش دهمین کنگره سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از جرم»، نشریه / امنیت، ش ۱۲ و ۱۱.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلسه پنجاه و هفتم، (۱۳۶۶). اداره کل فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۹) اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- معظمی، شهلا (۱۳۷۹). «نهمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین»، نشریه / امنیت، ۹ و ۱۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۶). «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۲۴، ۱۳۷۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). «میزگرد مشارکت مردم در تأمین امنیت عمومی»، نشریه مجله / امنیت، ش ۱۰ و ۹، ۱۳۷۹ اردیبهشت.
- ب) پایان نامه ها
- بزرگ نیا، دلاور (۱۳۷۲). *سیاست جنایی ایران در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی
- طاهایی نژاد، سید علیرضا (۱۳۸۱). «پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در حقوق ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- طاهایی نژاد، سید علیرضا (۱۳۸۱). «پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در حقوق ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- عالمی، زهرا (۱۳۷۵). «سیاست جنایی و گرایش پیشگیری به آن در سازمان ملل متحد»، پایان نامه کارشناسی حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- نادری، محمد علی (۱۳۸۱). «جایگاه و نقش وزارت کشور در پیشگیری از جرم»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

۳۰۶. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

ت) پلی‌کپی و جزوات دانشگاهی

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). «تقریرات درس جرم‌شناسی»، دوره دکتری

دانشگاه تربیت مدرس، نیمسال اول ۱۳۷۹-۸۰

ث) منابع انگلیسی

- Crime seeking for all, The United Nation and Crime Prevention: U.N. New York, 1996.